

جمع همراهی در زبان‌های ایرانی

مهرداد نغزگوی کهن^۱ (استاد دانشگاه بوعلی سینا)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۹/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۲۰، تاریخ انتشار: ۱۴۰۱

چکیده: جمع همراهی ناظر بر یک اسم (با مصداق انسانی) به همراه یک فرد یا چند فرد دیگر است. جمع همراهی مجموعه‌ای را می‌سازد که اعضای آن همگون نیستند و با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. این نکته مهم، جمع همراهی را از جمع معمولی متمایز می‌سازد. در زبان‌های جهان جمع همراهی با امکانات ترکیبی و تحلیلی مختلفی بیان می‌شود. هدف ما در این مقاله استخراج و توصیف این امکانات در منتخبی از زبان‌های ایرانی است. جمع همراهی بیشتر در زبان گفتار کاربرد دارد و کمتر به زبان نوشتار راه یافته است، بنابراین در متون رسمی کمتر منعکس شده است. به همین دلیل، داده‌های این تحقیق به صورت میدانی و از طریق شبکه‌های اجتماعی با پرسش از گویشوران بومی استخراج شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در زبان‌های ایرانی از شش روش مختلف برای بیان جمع همراهی استفاده می‌شود. در بعضی از زبان‌های ایرانی از دوروش جایگزین یا تکمیلی برای بیان جمع همراهی استفاده شده است و گزینش هریک از دوروش گاهی به خصوصیات ذاتی اسم مورد نظر و گاهی به دیدگاه ارزشی گوینده نسبت به مجموعه مورد نظر بستگی دارد.

کلیدواژه‌ها: جمع، جمع همراهی، جان‌داری، زبان‌های ایرانی.

۱ مقدمه

مقوله جمع ناظر بر مجموعه‌ای است که اعضای آن همگون هستند. برای نمونه، اسم جمع

1. mehrdad.kohan@basu.ac.ir

«کتاب‌ها» نشان‌دهنده مجموعه‌ای از اعضای مشابه است و اعضای این مجموعه به لحاظ کتاب‌بودن مانند هم هستند. در این مقاله از این نوع جمع با نام جمع معمولی یاد می‌کنیم. این نوع جمع در زبان‌ها با امکانات دستوری مختلفی بیان می‌شود که آشناترین آنها وندهای تصریفی است، مثلاً در زبان فارسی این جمع با متصل شدن انواع پسوندهای تصریفی، مثل -ها، -ان و -ات ساخته می‌شود (مانند: کتاب‌ها، بانوان، مصطلحات). در زبان‌های جهان (از جمله فارسی) امکانات دستوری دیگری نیز وجود دارد که همزمان با القای معنای جمع، نشان‌دهنده مجموعه‌ای هستند که اعضای آن بدون اینکه همگون باشند، همراه هم تلقی می‌شوند. برای نمونه در جمله «علی اینا اومدند»، «علی اینا» ناظر بر مجموعه‌ای از انسان‌ها است که اعضای آن مانند هم نیستند، مثلاً اسم همه علی نیست. زبان‌شناسان این نوع جمع را جمع همراهی^۱ نام نهاده‌اند. در جمع همراهی که برای انسان به کار می‌رود، یک عضو نقش کلیدی را بازی می‌کند و بقیه اعضا، به‌رغم ناهمگون بودن، همراه یا ملازم با این عضو کلیدی در نظر گرفته می‌شوند. هدف این مقاله مطالعه این نوع جمع و شیوه بیان آن در منتخبی از زبان‌های ایرانی است. در این راستا منبع^۲ اولیه نشانه‌های جمع همراهی را شناسایی کرده‌ایم و این منابع را با منابع جمع همراهی در زبان‌های جهان مقایسه نموده‌ایم. منظور از منبع، آن جزء زبانی اولیه است که از آن برای ساخت جمع همراهی استفاده شده است. داده‌های این مقاله از طریق پرسش از گویشوران زبان‌های ایرانی مورد نظر جمع‌آوری شده است.

در ادامه این مقاله ابتدا جمع همراهی را با تفصیل بیشتری مورد بررسی قرار می‌دهیم و سپس به معرفی پیشینه تحقیق می‌پردازیم. بخش ۴ به روش‌شناسی و مشخص کردن داده‌های این تحقیق اختصاص دارد. در بخش ۵ شیوه‌های بیان جمع همراهی و منابع در زمانی آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. بخش ۶ به تحلیل داده‌ها اختصاص دارد و در این راستا منابع در زمانی جمع همراهی در زبان‌های جهان با منابع استخراج‌شده در این تحقیق مقایسه شده است. این مقاله با نتیجه‌گیری پایان می‌یابد.

۲ جمع همراهی

منظور از جمع همراهی یک فرد به همراه یک یا چند فرد دیگر است:

X و همراهان

متغیر X در اینجا ناظر بر انسانی است که می‌تواند اسم خاص یا اصطلاح خویشاوندی باشد. به عبارت دیگر، جمع همراهی به جان‌داری حساس است و به‌طور کلی محدود به مجموعه‌ای از اسامی با ارجاع انسانی است. همراهان نیز دربرگیرنده دوستان، آشنایان، خویشاوندان یا تمام کسانی می‌شود که به X ربط دارند (دانیل^۳ و موراوزیک^۴، ۲۰۱۳). فرق مهم جمع همراهی با جمع معمولی

1. associative plural

2. source

3. M. Daniel

۴. E. Moravcsik

در این است که مجموعه اخیر ناظر بر اعضایی است که همگون هستند، مثلاً وقتی می‌گوییم «میزها»، مجموعه‌ای مورد نظر ماست که اعضای آن همه خصوصیاتِ ممیزِ میز بودن را دارند، یعنی هر عضو مجموعه موردی^۱ از نوع^۲ یا مصداقی است که اسم مفرد می‌تواند به آن بازگردد. در مقابل، جمع همراهی گروهی ناهمگون را تشکیل می‌دهد که حول محور عنصر کانونی X (مصداق پایه) گرد آمده‌اند. در نتیجه، اعضای مجموعه را نمی‌توان در مقام X تلقی کرد. به عبارت دیگر، جمع معمولی مجموعه‌ای را تشکیل می‌دهد که از رهگذر عمل اصلی جمع به وجود آمده است، در حالی که جمع همراهی ناظر بر همراهی با اسم X است (مائوری^۳ و سانسو^۴، ۲۰۲۱)؛ مثلاً «خاله‌اینا»، دربرگیرنده افرادی نیست که همه «خاله» باشند، بلکه می‌تواند، با توجه به بافت، دخترخاله‌ها، پسرخاله‌ها، شوهرخاله و جز آن را دربرگیرد. در واقع، بافت کاربردی نقش مهمی در مشخص نمودن همراهان در جمع همراهی دارد، در حالی که معنای جمع معمولی مستقل از بافت است. با توجه به آنچه گفته شد، جمع همراهی به طور خلاصه دارای مشخصه‌های زیر است:

۱. ناظر بر جمعی است که مفهوم همراه بودن را دربردارد.

۲. مجموعه‌ای را می‌سازد که اعضای آن همگون نیستند.

۳. به جان‌داری حساس است و فقط برای انسان به کار می‌رود.

۴. معنای دقیق آن به بافت کاربردی بستگی دارد.

در اینجا باید خاطر نشان ساخت که جمع معمولی برخلاف جمع همراهی می‌تواند هم برای جان‌دار و هم غیر جان‌دار به کار رود. البته امکانات جمع معمولی می‌توانند به جان‌داری ربط داشته باشند، مثلاً در فارسی نو پسوند جمع معمولی -ان با جان‌داران به کار می‌رود (برای بررسی دقیق انواع جمع و تغییرات نقشی آنها در فارسی نو رک. نغزگوی کهن (۱۳۹۹ الف) و نغزگوی کهن و کوتوا^۵، ۲۰۱۶). تفاوت‌ها و شباهت‌های جمع معمولی و جمع همراهی را در جدول زیر می‌توانید مشاهده کنید (نیز قس. مائوری و سانسو، ۲۰۲۱):

جدول ۱- مقایسه جمع معمولی و جمع همراهی

همراهی (علی‌اینا)	معمولی (کتاب‌ها/ بانوان)	نوع ساخت جمع / نوع مشخصه
جمع + همراهی	جمع	معنای اصلی
ناهمگون	همگون	اعضای مجموعه
تنها با انسان	بعضی از موارد	ارتباط با جان‌داری
دارد	ندارد	معنای بافت-بنیاد

1. token

4. A. Sanò

2. type

5. T. Kuteva

3. C. Mauri

۳ پیشینه تحقیق

تحقیقات زیادی تاکنون بر روی جمع همراهی انجام شده است. از آن جمله می‌توان به آثار افرادی چون کربت^۱ و میتون^۲ (۱۹۹۶)، کربت (۲۰۰۰: ۱۱۰-۱۰۷)، دانیل^۳ (۲۰۰۴)، موراویک (۲۰۰۳)، دانیل و موراویک (۲۰۰۵) و دانیل و موراویک (۲۰۱۳)، چینگونه^۴ (۲۰۱۸)، و بالاخره دانیل (۲۰۲۰) اشاره کرد. با این حال، جامع‌ترین تحقیقی که تاکنون در مورد جمع همراهی صورت گرفته، متعلق به مائوری و سانسو (۲۰۲۱) است. این دو با مطالعه ۱۱۰ زبان سعی نموده‌اند تا منابع در زمانی ساخت همراهی و ساخت شباهت^۵ را شناسایی و باهم مقایسه کنند. تاکنون تحقیقات جامعی در مورد جمع همراهی در زبان‌های ایرانی انجام نشده است. تنها اثر موجود در این راستا مربوط به قمشی (۲۰۱۸) است که در آن هم تنها به زبان فارسی پرداخته شده است. وی به ساخت‌هایی در فارسی می‌پردازد که متشکل از یک اسم خاص و ضمیر سوم شخص جمع هستند، مثل «کیا اینا». داده‌های این مقاله که با پیروی از مدل نظری دستور ساختی نوشته شده، براساس مکالمات فارسی‌زبانان آمریکای شمالی است.

۴ روش‌شناسی و داده‌ها

ساخت‌های جمع همراهی، به‌رغم کاربرد زیادشان بیشتر در گفتار غیررسمی کاربرد دارند تا گفتار رسمی و نوشتار. به همین دلیل در کتاب‌های دستور و توصیفات نویسندگان معمولاً کمتر آنها را ثبت و ضبط کرده‌اند. همین امر است که کار استخراج این ساخت‌ها از منابع مکتوب و دستورها را مشکل می‌سازد. بنابراین، استخراج داده‌های این مقاله با استفاده از شبکه‌های مجازی و طرح سوال از گویشوران زبان‌های ایرانی منتخب صورت گرفته است. زبان‌های مورد استناد متعلق به شاخه زبان‌های ایرانی غربی (جنوب غربی و شمال غربی) هستند. بعد از جمع‌آوری داده‌ها، ساخت‌های استخراج‌شده با چند گویشور مختلف مورد بازبینی و راستی‌آزمایی قرار گرفته است تا داده‌ها خالی از اشتباه باشد.^۶

1. G. Corbett

2. M. Mithun

3. M. Daniel

4. G. Cinque

۵. similative

۶. بر خود لازم می‌دانم از محققان و گویشوران زیر که در جمع‌آوری داده‌ها اینجانب را یاری کردند، تشکر و قدردانی نمایم: دکتر الهام خلیلی جهرمی، سپید امیری مهر، رضا کرمی، عاطفه شهبازی، زهرا جهان‌بانی، دکتر پارسا بامشادی، آیه حنان، فاطمه کوشکی، فرشته رحیم‌زاده، یوسف نظری، هومن عباسپور، کامران مافی، مریم علیزاده، عباس توفیقی‌فر، مارال سروری، دکتر رحمان ویسی حصار، پدram الماسی، سعید سروش، شکوه نیروبخش، مهسا بقائی، احسان مجیدی‌فرد، زهرا حامدی‌شیروان، فاطمه محمدی، حمیرا حسن‌زاده راد، مهرناز عمران‌پور، محمد ولی‌پور، سعید مؤدب، هانیه حیدری، هادی کرمی، دکتر الهام ایزدی، زهره قائمی، شیرین ضمیر، مهدی پرزاد، بهروز ابراهیمی، مهسا بقائی، مریم علیزاده، دکتر معصومه مهرابی، سارا پاشایی، رضا رضوانی بروجنی، سارا سهرابی، النا حمیده، مهسا گوهری، حدیث یعقوبی، دکتر محرم رضایتی، نجمه حیدری، رضا مرادی، فریبا صبوری، مریم پویان‌خواه، و کیوان محمدی‌زاد.

۵ شیوه‌های رمزگذاری جمع‌های شباهت و همراهی

در زبان‌ها برای رمزگذاری جمع همراهی از اجزاء تحلیلی و ترکیبی مختلفی استفاده می‌شود. همان‌طور که در بالا گفتیم، مائوری و سانسو (۲۰۲۱) با مطالعه ۱۱۰ زبان تلاش می‌کنند تا منبع واژگانی اولیه برای جمع همراهی و جمع شباهت را مشخص کنند. در تحقیق مائوری و سانسو زبان‌هایی که شیوه نشانه‌گذاری جمع همراهی‌شان و جمع معمولی‌شان یکی است، کنار گذاشته شده‌اند. دلیلی که آنها در این زمینه به دست می‌دهند این است که به‌خصوص در مورد جمع همراهی در زبان‌های جهان دو مسیر متضاد دیده شده است. یعنی در بعضی مواقع هم جمع‌های همراهی از جمع معمولی نشأت گرفته‌اند و هم جمع معمولی از جمع همراهی. به نظر نگارنده، وجود دو مسیر متضاد دلیل موجهی برای نادیده گرفتن این واقعیت نمی‌شود. یکی از اهداف ما در این تحقیق نیز مشخص کردن منابع در زمانی جمع همراهی در منتخبی از زبان‌های ایرانی است و برخلاف مائوری و سانسو جمع‌های همراهی با سرمنشأ جمع معمولی را نادیده نگرفته‌ایم.

۵-۱ شیوه‌های رمزگذاری جمع همراهی در زبان‌های ایرانی

از شش روش برای رمزگذاری جمع همراهی در زبان‌های ایرانی استفاده شده است. این شش روش به‌قرار زیر است:

۱. اسم خاص / اصطلاح خویشاوندی (+عطف=0) + ضمیر جمع اشاره به نزدیک
 ۲. اسم خاص / اصطلاح خویشاوندی (+عطف=0/=u) + ضمیر جمع اشاره به دور
 ۳. اسم خاص / اصطلاح خویشاوندی + پی‌بست ضمیری سوم شخص جمع
 ۴. اسم خاص / اصطلاح خویشاوندی + پسوند جمع معمولی
 ۵. اسم خاص / اصطلاح خویشاوندی + عطف=â + آدماش (آدم) + پسوند جمع + ضمیر پی‌بستی (مفرد)
 ۶. اسم خاص + چیز
- در زیر به تفکیک به بررسی هریک از این موارد می‌پردازیم.

۵-۱-۱ اسم خاص / اصطلاح خویشاوندی (+عطف=0) + ضمیر جمع اشاره به نزدیک

کاربرد این روش را در زبان‌ها و گویش‌های زیر می‌توان مشاهده کرد:

فارسی تهرانی و شیرازی: Hasan-inâ 'حسن و همراهان'؛ amu-inâ 'عمو و همراهان'؛

فسائی: Hasan-o inâ 'حسن و همراهان'؛

همدانی: Ali-nân 'علی و همراهان'، Hoseyn-nân 'حسین و همراهان'، haji-nân 'حاجی

و همراهان^۱. در لهجه فارسی اسدآبادی که به لحاظ جغرافیایی در مجاورت همدان قرار دارد، جمع همراهی به صورت Hasan-inân است، بنابراین nân در فارسی همدانی احتمالاً تخفیف یافته همان inân اینان^۲ است؛

بروجردی: Hasan-inu^۳ حسن و همراهان^۴؛ bâbâm-inu^۵ بابام و همراهان^۶؛

لری خرم‌آباد و پل‌دختر: Hasan-yeno^۷ حسن و همراهان^۸؛

لکی الشتر و نورآباد Hasan-yo^۹ حسن و همراهان^{۱۰}؛

کرمانشاهی: Hasan-yâna^{۱۱} حسن و همراهان^{۱۲}؛

کردی ایل مافی در روستاهای آبیک: Hasan-yân^{۱۳} حسن و همراهان^{۱۴}؛

کردی ایلامی: Hasan-o-yân^{۱۵} حسن و همراهان^{۱۶}؛

کلهری، اسلام‌آباد غرب و لکی روستای قُلُقُل از توابع شهر تویسرکان: Ali-yâna/Aliyu-yân^{۱۷} علی و همراهان^{۱۸}؛

کردی گورانی، شهر گهواره کوند غرب: Hasan-yâna/ Hasan-o-yâna^{۱۹} حسن و همراهان^{۲۰}؛

در موارد فوق صورت‌های -nân، -inu، -yeno، -yo، -yâna، -yân- ضمیر جمع اشاره به نزدیک هستند.

در زبان‌های ایرانی لقب/عنوان افراد می‌تواند به جای اسم خاص به کار رود؛ مثل، دکتر اینا؛ همدانی: haji-nân.

۵-۱-۲ اسم خاص (+عطف u/=o) + ضمیر جمع اشاره به دور

در شواهد زیر -wân، -awân، ovâ/oyâ، و henun به معنای آنان^{۲۱} است:

کردی سورانی: Hasan-wân^{۲۲} حسن و همراهان^{۲۳}؛

سنه‌ای، کردی اردلانی سنندج: Mârâl-o awân^{۲۴} مارال و همراهان^{۲۵}؛

کردی مکرری بوکان: Hasan-wân/Hasan-u-wân^{۲۶} حسن و همراهان^{۲۷}، صورت با عطف u قدیمی‌تر و در حال حذف شدن است.

لارستانی (علامرو دشت): در هنگام عدم حضور فرد مورد اشاره صورت اشاره به دور Hasan-

ova/Hasan-oya^{۲۸} (ovâ/oyâ: آنها) حسن و همراهان^{۲۹} و در صورت حضور فرد، از ضمیر اشاره به

نزدیک استفاده می‌شود: Hasan-iyâ^{۳۰} حسن و همراهان^{۳۱}؛

دزفولی: Hasan-henun^{۳۲} حسن و همراهان^{۳۳}.

همان‌طور که در بالا دیدیم، در اکثر گونه‌های لری از ضمیر جمع اشاره به نزدیک در ساخت جمع همراهی استفاده شده است. نکته جالب توجه این است که برای اسامی خویشاوندی در این

ساخت از ضمیر اشاره به دور استفاده می‌شود، مثلاً در نهاوندی ضمیر اشاره به دور vano در مقام نشانه جمع همراهی تنها به اسامی خویشاوندی متصل می‌شود:

xesira-vano پدر/مادر همسر یا اقوام همسر؛ ama-vano عمه و عمه‌زاده‌ها؛ dâ'i-vano دایی و دایی‌زاده‌ها؛ xâla-vano خاله و خاله‌زاده‌ها؛ arus-vano عروس و خانواده عروس؛ dâmâ-vano داماد و خانواده داماد.

۵-۱-۳ اسم خاص + پی‌بست ضمیری سوم شخص جمع

این کاربرد هم در زبان‌های ایرانی جنوب غربی (مثل گونه‌های فارسی، جز فارسی تهرانی) و هم زبان‌های ایرانی شمال غربی دیده می‌شود:

فارسی مشهدی، شیروانی، و سمنانی: Hasan-ešun حسن و همراهان، Ali-šun علی و همراهان؛

سبزواری: Hasan-šâ حسن و همراهان؛

روستای آردینه در شهرستان رودهن: Minâ-šon مینا و همراهان؛

گیلکی: Hasan-ešân حسن و همراهان، Maryam-ešân مریم و همراهان؛

بابلی (مازندرانی): Hasan-ešun حسن و همراهان؛

گرگانی: Hasan-ešân حسن و همراهان؛

سیستانی زابل و زاهدان: Asanešo منشأ حسن و همراهان؛

مائوری و سانسو (۲۰۲۱) منشأ این راهکار را ساخت ملکی می‌دانند. در زبان‌های ایرانی یکی از راه‌کارهای بیان مالکیت اسمی استفاده از پی‌بست ضمیری است، مثل «کتابشون». بنابراین، ادعای مائوری و سانسو در مورد منشأ این ساخت در زبان‌های ایرانی نیز صدق می‌کند (برای توضیحات بیشتر رک. نغزگوی کهن، ۱۳۹۵ الف و ب).

۵-۱-۴ اسم خاص + پسوند جمع معمولی

وندهای تصریفی جمع با اسامی خاص به‌کار نمی‌روند و در صورت کاربرد با اسامی خاص نقش دوگانه‌ای پیدا می‌کنند، مثلاً در کاشانی کاربرد وند تصریفی جمع ناظر بر جمع همراهی است: خاله اقدسیا خاله اقدس و همراهان.

۱. در فارسی معیار نیز نشانه‌های جمع معمولی با اسامی خاص کاربرد دارد، ولی این نوع کاربرد نشانه جمع شباهت است و به بحث ما در اینجا ربطی ندارد، مثلاً در جمله «ایران فردوسی‌ها دارد». فردوسی‌ها به معنای «فردوسی و افراد دیگری مانند او» است.

۵-۱-۵ اسم خاص + عطفِ اَ = آدماش (آدم + پسوند جمع + ضمیر پی بستی مفرد) اصفهانی: *Hasan-â âdēmâš* 'حسن و اطرافیان/همراهان حسن'؛ *Maryam-â âdēm šuvērâš* 'مریم و خانواده شوهرش'.

لازم به توضیح است در زبان فارسی معیار کلمه «آدم» به صورت ضمیر غیرشخصی درآمده است. در کاربرد «آدم» در ساخت همراهی نیز رگه‌هایی از کاربرد ضمیری کاملاً قابل مشاهده است.

۵-۱-۶ اسم خاص + چیز

در گونه کردی سنه‌ای (سنندج) گاهی اسم خاص به همراه جزئی می‌تواند به کار رود که معنای اصلی آن چیز است:

Mârâl-o čitâ 'مارال و همراهان'

این کاربرد معنای جمع همراهی را دربردارد و گوینده از این ساخت برای اشاره نامؤدبانه یا غیررسمی به فرد مورد نظر استفاده می‌کند. در واقع، کاربرد اصلی این ساخت در این گونه کردی در جمع شباهت است و با هسته غیرانسانی کاربرد دارد، مانند *mâšino- čitâ* 'ماشین و مانند آن'، *sanalio- čitâ* 'صندلی و مانند آن'، *televiziyono- čitâ* 'تلویزیون و مانند آن'.

۶ مقایسه منابع در زمانی جمع همراهی در زبان‌های جهان و زبان‌های ایرانی

مانوری و سانسو (۲۰۲۱) با مطالعه ۱۱۰ زبان، ۸ منبع در زمانی را برای جمع همراهی استخراج و معرفی کرده‌اند:

(۱) ضمیر سوم شخص جمع؛ (۲) اشاری جمع؛ (۳) ملکی جمع؛ (۴) انبوه‌نما؛ (۵) عبارت فضایی؛ (۶) گروه/مردم/خانواده/خانه؛ (۷) کمیت نمای کلی؛ (۸) 'و'، 'با'، 'هم'.

همان‌طور که دیدیم، استفاده از اشاری‌های نزدیک و دور در ساخت جمع همراهی در زبان‌های ایرانی بسیار پرکاربرد است. همین اشاری‌ها می‌توانند منبع ضمیر سوم شخص جمع شوند (هاینه و کوتوا، ۲۰۰۲: ۱۱۳-۱۱۲)؛ امری که در زبان فارسی نیز اتفاق افتاده است (رک. نغزگوی کهن، ۱۳۹۹ب). بنابراین، منابع ۱ و ۲ فوق در زبان‌های ایرانی نیز کاربرد دارد. تنها تفاوت در این است که مانوری و سانسو اشاری‌های دور و نزدیک را از هم متمایز نکرده‌اند. تفکیک این دو بسیار مهم است،

1. plural demonstrative

2. plural possessive

۳. collective marker: نشانه‌هایی هستند که به اسامی متصل می‌شوند و ناظر بر انبوهی از آن اسم هستند.

4. spatial expression

۵. universal quantifier: مثل بعضی، هر، همه.

6. B. Heine

زیرا هریک حاوی اطلاعات ضمنی زبانی-اجتماعی متفاوتی هستند. منبع شماره ۳ نیز به صورت پی‌بستِ ضمیری سوم شخص جمع در زبان‌های ایرانی کاربرد دارد. علاوه بر این، منبع شماره ۶ هم در زبان‌های ایرانی (گونه فارسی اصفهانی) مورد استفاده قرار گرفته است: در عبارت Hasan-â 'âdēmâš 'حسن و اطرافیان/همراهان حسن؛ «آدم» در واقع منشأ اصلی ساخت همراهی بوده است. یکی از معنای «آدم» در تاریخ زبان فارسی 'مردم' بوده است که در اکثر لغت‌نامه‌های فارسی بدان اشاره شده است.

همان‌طور که قبلاً گفتیم، مائوری و سانسو (۲۰۲۱) کاربرد جمع معمولی در ساخت جمع همراهی را از فهرست منابع در زمانی خود حذف کرده‌اند. در حالی که، جمع معمولی با کاربرد بافتی متفاوت (یعنی کاربرد با اسم خاص) منعکس‌کننده جمع همراهی است (رک. ۵. ۱. ۴). در زبان‌های ایرانی جمع همراهی با منبع در زمانی به معنای 'چیز' نیز دیده شده است که در جدول مائوری و سانسو وجود ندارد. این دو محقق، با توجه به داده‌های خود، 'چیز' را تنها منبع جمع شباهت دانسته‌اند.

با توجه به این ملاحظات، در جدول زیر می‌توان منابع در زمانی جمع همراهی در زبان‌های ایرانی را با منابع در زمانی ذکر شده در مائوری و سانسو (۲۰۲۱) به راحتی مقایسه کرد:

جدول ۲- مقایسه منابع در زمانی جمع همراهی در مائوری و سانسو (۲۰۱۲) و تحقیق حاضر

منبع	مائوری و سانسو (۲۰۲۱)	زبان‌های ایرانی (تحقیق حاضر)
۱. ضمیر سوم شخص جمع	√	√
۲. اشاری جمع	√	√
۳. ملکی جمع	√	√
۴. انبوه‌نما	√	
۵. عبارت فضایی	√	
۶. 'گروه' / 'مردم' / 'خانواده' / 'خانه'	√	√
۷. کمیت‌نمای کلی	√	
۸. 'و'، 'با'، 'هم'	√	
۹. جمع معمولی		√
۱۰. 'چیز'		√

۷ نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده دو منبع در زمانی جدید برای ساخت جمع همراهی است که در مانوری و سانسو (۲۰۲۱) به آن اشاره نشده است. علاوه بر این، اشاری‌های دور و نزدیک در تحقیق مانوری و سانسو از هم متمایز نشده است. این تمایز در این مقاله در نظر گرفته شده، زیرا دارای پیامدهای اجتماعی-زبانی است. در واقع، در تحقیقات مربوط به جمع همراهی به این پیامدها توجه نشده است. در این راستا می‌توان به بعضی از گونه‌های لری اشاره کرد که در آنها دو ساخت متفاوت جمع همراهی در توزیع تکمیلی هستند. همان‌طور که دیدیم، ضمیر جمع اشاره به دور برای خویشاوندان به کار می‌رود (مثل کاربرد vano در نهاوندی)، در حالی که ضمیر جمع اشاره به نزدیک برای سایر موارد کاربرد دارد. کاربرد اولیه این دو ساخت متفاوت احتمالاً در آغاز ناظر بر عوامل زبانی-اجتماعی بوده است. گویشوران با استفاده از ضمیر اشاره به دور برای خویشاوندان (خاله، عمو و غیره) فاصله اجتماعی خود با آنها را به نسبت همراهان نزدیکتر دیگر، چون اعضای خانواده خود و دوستان و غیره، نشان می‌داده‌اند.

وجود امکانات جایگزین (به جای توزیع تکمیلی) در ساخت‌های جمع همراهی در داده‌های گونه‌های کردی نیز مبین تأثیر عوامل اجتماعی-زبانی در انتخاب هریک از گزینه‌هاست. استفاده از جزء زبانی با معنای اولیهٔ «چیز» با مجموعهٔ انسانی، حاکی از نگاه منفی به مجموعهٔ مورد نظر است. به‌طور کلی، شاید بتوان گفت که کاربرد اجزایی که متعلق به سطح پایین‌تر جان‌داری هستند برای اجزاء جان‌دار و به‌خصوص انسان متضمن بیناذهنی‌شدگی^۱ و در پی آن فروکاستن ارزش اجتماعی مصداق‌های اسمی است. لازم به یادآوری است که در تاریخ استفاده از جمع‌های معمولی فارسی نیز مبحث جان‌داری مطرح بوده است و نشانهٔ جمعی که برای بی‌جان کاربرد داشته (نشانهٔ جمع -ها) به تدریج برای اسامی جان‌دار نیز کاربرد پیدا کرده است. در اینجا نیز، این کاربرد متضمن غیررسمی‌تر شدن کاربردهای زبانی شده است. جایگزینی -ها با نشانهٔ جمع -ان قرن‌ها طول کشیده است (برای توضیحات بیشتر رک. نغزگوی کهن و کوتوا، ۲۰۱۶).

منابع

- نغزگوی کهن، مهرداد (۱۳۹۵ الف). «بیان مالکیت در تالشی». زبان فارسی و گویش‌های ایرانی. س ۱، ش ۲، ۱۱۷-۱۳۶.
- نغزگوی کهن، مهرداد (۱۳۹۵ ب). «بیان مالکیت در فارسی نو». دستور: ویژه نامه فرهنگستان. س ۱۲، ش ۱۲، ۱۷۱-۱۹۲.

نغزگوی کهن، مهرداد (۱۳۹۹ الف). «تغییرات نقشی وندهای جمع اسم در فارسی». پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی. س ۱۱، ش ۲۰، ۱۲۰-۱۰۱.
نغزگوی کهن، مهرداد (۱۳۹۹ ب). «چگونگی شکل‌گیری ضمائر سوم شخص در فارسی نو». واژه‌واژه زندگی، جشن نامه دکتر ویدا شقاقی. به‌اهتمام شهرام مدرس خیابانی و فریبا قطره، تهران: نشر نویسه پارسی، ۴۵۰-۴۲۵.

- Cinque, G. (2018). "On the Merge position of additive and associative plurals". *From sounds to structures: Beyond the veil of Maya*. R. Petrosino, P. Cerrone, & H. van der Hulst (eds.), Berlin: Mouton de Gruyter, 495–509.
- Corbett, G. (2000). *Number*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Corbett, G., & M. Mithun (1996). "Associative forms in a typology of number systems: Evidence from Yup'ik". *Journal of Linguistics* 32, 1–17.
- Daniel, M. (2020). "Associative plural as indexical category". *Language Sciences* 81, 101256.
- Daniel, M., & E. Moravcsik (2005). "Associative plurals". *World atlas of language structures*. M. S. Dryer, M. Haspelmath, D. Gil, & B. Comrie (eds.), Oxford: Oxford University Press, 150–153.
- Daniel, M., & E. Moravcsik (2013). "The associative plural". *The world atlas of language structures online*. M. Dryer, & M. Haspelmath (eds.), Leipzig: Max Planck Institute for Evolutionary Anthropology, retrieved from: <http://wals.info/chapter/36>.
- Daniel, M. (2004). "From headless possessives to associative plurals". *Possessives and beyond: Syntax and semantics*. J. Kim, Y. Lander, & B. H. Partee (eds.), Amherst (MA): GLAS Publications, 387–409.
- Ghomeshi, J. (2018). "The associative plurals and related constructions in Persian". *Trends in Iranian and Persian linguistics*. A. Korangy, & C. Miller (eds.), Berlin, Boston: De Gruyter Mouton, 2018, pp. 233-262.
- Heine, B., & T. Kuteva (2002). *World lexicon of grammaticalization*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Mauri, C., & A. Sansò (2021). "Heterogeneous sets: a diachronic typology of associative and similitive plurals". *Linguistic Typology*, pp. 000010151520212072. <https://doi.org/10.1515/lingty-2021-2072>.
- Moravcsik, E. (2003). "A semantic analysis of associative plurals". *Studies in Language* 27(3), 469–503.
- Naghzguay-Kohan, M., & T. Kuteva (2016). "On competition and blocking in inflectional morphology: evidence from the domain of number in New Persian". *Folia Linguistica*, 50- (1).

